

## پویایی خانوار در ایران: مطالعه چهار دهه تغییرات در ساختار خانواده و خانوار

میلاد بگی<sup>۱</sup>، محمد جلال عباسی شوازی<sup>۲</sup>

### چکیده

ساختار خانوار جوامع معاصر در بسیاری از نقاط جهان متفاوت از آن چیزی است که چندین دهه پیش وجود داشت، و در بسیاری از کشورها، شکل‌های جدید خانوار ظهور یافته است. مطالعه حاضر با هدف بررسی تغییرات صورت گرفته در ساختار خانوار در ایران در طول ۳۵ سال گذشته (۱۳۶۳-۱۳۹۷) انجام شد. به این منظور داده‌های طرح هزینه و درآمد خانوار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که در طی این دوره، سهم خانوارهای تک‌نفره، تک‌والد و نیز خانوارهای زوجین بدون فرزند افزایش یافته و در طرف مقابل از سهم خانوارهای گسترده و ترکیبی کاسته شده است. هرچند خانوارهای هسته‌ای همواره اکثریت مطلق خانوارها را به خود اختصاص داده‌اند، سهم آن‌ها در یک دهه‌ی گذشته رو به کاهش گذاشته است. به نظر می‌رسد دلیل اصلی ثبات سهم این نوع از خانوارها، بافت فرهنگی و مذهبی جامعه و طولانی‌تر شدن دوره‌ی باقی‌ماندن فرزندان در خانه‌ی والدین باشد. مشاهده روندهای موجود نشان می‌دهد که هر چند ساختار خانواده و خانوار در ایران تا دهه‌های پیش از ثبات نسبی برخوردار بود، از حدود یک دهه‌ی پیش با تغییراتی روبرو شده است. با اینحال، به جای تبدیل شدن به الگوی خانواده مستقل غربی، ویژگی‌های یک الگوی همبستگی عاطفی را به خود گرفته است.

واژگان کلیدی: خانوار، خانواده، ساختار خانوار، سن-دوره-کوهورت، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۹

۱ استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، (نویسنده مسئول) m.bagi@basu.ac.ir

۲ استاد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و استاد افتخاری دانشگاه ملبورن استرالیا، mabbasi@ut.ac.ir

DOI: <https://dx.doi.org/10.22034/jpai.2021.241891>

## مقدمه و بیان مسأله

ترتیبات زندگی و ساختار خانوار در زمان معاصر در بسیاری از نقاط جهان متفاوت از آن چیزی است که چندین دهه پیش وجود داشت. در گذشته خانواده‌ها با ازدواج آغاز و با مرگ منحل می‌شدند، اما اکنون این الگو در بیشتر نقاط جهان تغییر کرده است و شاهد تنوع در ساختارهای خانوار جوامع هستیم.

ایران در طی چند دهه‌ی گذشته هم به لحاظ اقتصادی-اجتماعی و هم به لحاظ جمعیتی تغییرات عمده‌ای را تجربه کرده است. سطح سواد زنان افزایش یافته و تعداد زنانی که وارد دانشگاه می‌شوند بیشتر از مردان است (عباسی‌شواری و همکاران ۲۰۰۹). در مقایسه با گذشته، زنان بیشتری وارد بازار کار شده‌اند (کریمی، نظیفی نایینی و عباسپور ۱۳۹۲). نوجوانان زمان طولانی‌تری را صرف آموزش و تحصیل می‌کنند (موسوی و حقیقت ۱۳۹۵). الگوهای تشکیل خانواده نیز تغییر کرده‌اند به طوری که بسیاری از مردان و زنان قبل از تشکیل خانواده قصد دارند تا موقعیت خود را در بازار کار ثبات بخشند (هزارجریبی و آستین افشان ۱۳۸۸).

همسو با این تغییرات، خانوار و ترتیبات زندگی افراد نیز با بروز تغییراتی همراه بوده است. تعداد خانوارها در ایران در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۳۵ بیش از شش برابر شده است و در چندین سرشماری رشد خانوارها بر رشد جمعیت غلبه داشته است. بُعد خانوار نیز در بالاترین مقدار خود از حدود ۵/۳ نفر در سال ۱۳۶۹ به ۳/۳ نفر در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است (مرکز آمار ایران ۱۳۹۷). از میزان‌های سرپرستی جوانان و افراد میان‌سال کاسته شده است و در طرف مقابل میزان‌های سرپرستی سالمندان و زنان رو به افزایش گذاشته است (عباسی‌شواری و بگی ۱۳۹۸).

انتظار می‌رود بسیاری از تغییرات تدریجی که در کشور رخ داده‌اند ادامه یافته و در بعضی موارد نیز تشدید شوند. میزان بیشتر مشارکت زنان در بازار کار، میزان‌های طلاق بالاتر، خانوارهای تک‌والد بیشتر، طولانی‌تر شدن دوران تحصیل اعضاء خانوار و تعداد رو به رشد سالمندان در مقایسه با گذشته بخشی از این تغییرات مورد انتظار هستند و اثر تجمعی همه‌ی این

روندها، می‌تواند تغییرات بیشتری را برای ساختار اجتماعی سنتی خانوار در پی داشته باشد. عباسی‌شوازی و مک‌دونالد<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) در مطالعه تغییرات خانواده در ایران به این نکته اشاره می‌کنند که در ایران هم تغییرات اساسی رخ داده است و هم اینکه تداومی در ثبات خانواده مشاهده می‌شود. هرچند تداوم خانواده را می‌توان بیش از هر چیز متأثر از قوانین و مقررات شرع و نیز باورهای اعتقادی مردم و زوجین دانست، اما توجه به نیروهای تغییر نیز ضروری به نظر می‌رسد و تغییرات ساختار خانواده و خانوار در ایران نیازمند مطالعات تحلیلی بیشتری است.

ویکس<sup>۲</sup> (۱۳۹۵) در رابطه با تغییرات خانوار به این نکته اشاره می‌کند که در همه‌ی دنیا، تغییر در تشکیل خانوار و ترتیبات زندگی موضوع بحث و خطابه‌های بسیاری است اما در این بحث‌ها به ندرت به تغییرات جمعیتی زمینه‌ساز این گستره‌ی اجتماعی اشاره می‌شود. مطالعات در حوزه‌ی خانوار در ایران نیز برخلاف اهمیت قابل ذکر آن چندان مورد توجه قرار نگرفته است. عباسی‌شوازی و مک‌دونالد (۲۰۰۸) معتقدند که یکی از حوزه‌هایی که در ایران و در رابطه با خانواده کمتر مورد توجه قرار گرفته است، تغییرات در بُعد و ساختار خانوار است. زنجانی (۱۳۸۵) نیز در رابطه با مطالعه‌ی خانوار در ایران این‌گونه بیان می‌کند که:

"... مطالعات محدود دهه‌های اخیر بیشتر از جنبه‌ی جامعه‌شناختی و آسیب‌های اجتماعی بدان نگرسته‌اند و از دید جمعیت‌شناختی، محدود به توصیف‌های مقطعی بوده و کمتر به ارائه‌ی سیمای تحولی آن پرداخته‌اند. حال آنکه خانوار یکی از موضوعات مهم جمعیت‌شناسی است و تحولات جمعیت از ساختار و تحول آن اثر می‌پذیرد و به همان ترتیب بر تغییر و تحول آن نیز اثر می‌گذارد...." (زنجانی ۱۳۸۵: ۶۲).

در واقع تحقیقات موجود در ایران نتوانسته‌اند به روشنی تغییرات در ساختار خانوار را به تحولات اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی رخ داده در طول دوره‌های زمانی متفاوت و تجربه کوهورت‌های مختلف مرتبط سازند. بایستی توجه کرد که پدیده‌های مرتبط با رفتار انسانی از دوره‌هایی که افراد در آن‌ها زندگی می‌کنند و نیز حوادثی که در طول زندگی خود تجربه

---

1 McDonald

2 Weeks

می‌کنند، تأثیر می‌پذیرد. بنابراین توجه به ویژگی‌های کوهورت‌ها و دوره‌های زمانی که افراد در آن‌ها زندگی می‌کنند ضروری به نظر می‌رسد.

هدف پژوهش حاضر بررسی تغییرات رخ داده در ساختار خانوار در طول ۳۵ سال گذشته (۱۳۹۷-۱۳۶۳) در ایران است. بر این اساس، در ادامه ابتدا به بررسی روند تغییرات در ساختار خانوار در ایران پرداخته و سپس عوامل مؤثر (ویژگی‌های فردی، کوهورت‌ها و دوره‌های زمانی) بر تغییرات در خانوارهای هسته‌ای مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

### پیشینه مطالعات خانوار در ایران

آغاز مطالعات در زمینه‌ی بررسی تعیین‌کننده‌های جمعیت‌شناختی تغییرات خانوار را می‌توان از نیمه دوم قرن بیستم در نظر گرفت و از آن زمان تاکنون مطالعات بسیاری در این زمینه صورت گرفته است. به نگاهی به مطالعات خانوار در ایران اما به سادگی می‌توان پی برد که سهم اندکی از ادبیات جمعیت‌شناسی در ایران به موضوع خانوار پرداخته است.

عمده مطالعات انجام‌شده به تمرکز بر بُعد خانوار و یا تعیین‌کننده‌های نوع خاصی از خانواده بسنده کرده‌اند. نمونه‌ای از این امر در مطالعات داخلی به کار غلامی (۱۳۹۰) تعلق دارد که در آن تنها به تحلیل روند خانوارهای تک‌نفره در شهر تهران پرداخته است. در مطالعه‌ی دیگر، ترابی، عباسی‌شوازی و عسکری ندوشن (۲۰۱۵) روندها و الگوهای خانوارهای تک‌نفره را بررسی کردند. ترابی و قاضی طباطبایی (۱۳۹۵) نیز به توصیف خانوارهای زن‌سرپرست در سال ۱۳۹۰ در ایران پرداخته‌اند.

سادات بندری (۱۳۷۲) در بررسی عوامل مؤثر در کاهش بُعد خانوار به این نتیجه رسید که سن مادران در هنگام ازدواج و تحصیلات زوجین بر بُعد خانوار تأثیرگذار است. حدادی (۱۳۹۴) و ترابی، میرزایی و حدادی (۱۳۹۷) نیز معتقدند که در سال ۱۳۹۰ باروری بیشترین تأثیر مثبت را بر بُعد خانوار داشته است. همچنین میانگین سن ازدواج و بیکاری رابطه‌ی مستقیم و مدرنیزاسیون (بیشترین تأثیر منفی) و اشتغال زنان رابطه معکوسی با بُعد خانوار داشته است. شاهنوشی (۱۳۷۰) عامل اصلی کاهش بُعد خانوار در استان اصفهان را عوامل

فرهنگی می‌داند و با برجسته‌کردن نقش تحصیلات بیان می‌کند هرچه تحصیلات (به ویژه برای مرد) بیشتر باشد، خانوار کوچک‌تر خواهد بود. آفاجانیان و تامسون<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) بیان می‌کنند با وجود اینکه گذار باروری در کنار سایر تغییرات ساختاری که در ایران رخ داده است که باعث می‌شود انتظار داشته باشیم تا خانوارهای هسته‌ای در اکثریت قرار بگیرند، با این حال، بخش بزرگی از خانوارها در ایران در سال ۱۳۸۵ همچنان دارای پنج عضو یا بیشتر بودند و کاهش سهم خانواده‌های گسترده در حد متوسطی بوده است. زنجانی (۱۳۸۵) در مطالعه خود نشان داد که در دوره ۱۳۷۵-۱۳۳۵ بُعد خانوار و همچنین تعداد خانوارهای پر عضو کاهش یافته است. از طرفی خانوارهای زن سرپرست فاقد شغل و همچنین نسبت سرپرستان غیرفعال افزایش یافته است.

برخی مطالعات نیز تنها بر توصیف ویژگی‌های خانوار بسنده کرده‌اند. برای مثال، فتحی (۱۳۹۳) تحولات خانوار در ایران را تنها از منظر تعداد افراد هر خانوار و یا سن سرپرست توصیف کرده است. رضایی قهرودی (۱۳۹۲) تنها به بیان افزایش سهم خانوارهای زن سرپرست در ایران در فاصله سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ اکتفا کرده است. مطالعه‌ی مشابهی در سال ۱۳۹۵ توسط علی‌اکبری انجام شده است که به بیان ویژگی‌های خانوارهای زن سرپرست بسنده کرده است. فرحزادی (۱۳۹۳) نوع محل سکونت خانوارهای کشور را در فاصله‌ی ۱۳۶۵-۱۳۹۰ توصیف کرده است. فلاح، خانی و جوادی (۱۳۹۴) در مطالعه‌شان تنها به این نکته تأکید کرده‌اند که خانوارهای دارای سرپرست جوان به لحاظ مسائل حمایتی از وضعیت نامطلوب‌تری برخوردارند ولی به دلایل و عوامل آن اشاره‌ای نداشته‌اند. آسایش و رحمانی شمسی (۱۳۹۵) هم به مقایسه سطح رفاه خانوارهای شهری و روستایی استان‌ها و کل کشور پرداخته‌اند.

همان‌گونه که بیان شد، یک نکته‌ی مهم در رابطه با تغییر و تحولات خانوار در ایران این است که بیشتر مطالعات تنها به توصیف تغییرات صورت گرفته اشاره کرده و یا به تبیین‌های مقطعی اکتفا کرده‌اند. چنین مطالعاتی نمی‌توانند نشان دهند که عوامل جمعیت‌شناختی

منجر به تغییرات خاص در ترکیب خانوار شده است. مطالعه ترکیب خانوار و خانواده‌ها در گذر زمان می‌تواند به ما در ارزیابی این نکته که آیا ساختار خانواده و خانوار در ایران به ساختار خانوار جوامع غربی نزدیک شده است یا خیر، کمک کند.

### همگرایی یا تنوع در ساختارهای خانوار

بحث‌ها در مورد اینکه آیا تغییرات کارکردی-ساختاری سرانجام به یک همگرایی در مورد ساختارهای خانواده و خانوار منجر خواهد شد یا اینکه ویژگی‌های فرهنگی و دینی جوامع بر نحوه مدیریت آن‌ها تاثیرگذار خواهد بود، همچنان ادامه دارد. بر همین اساس، در تبیین تحولات خانواده و خانوار می‌توان دو دسته از تبیین‌ها را از همدیگر متمایز ساخت: نخست تبیین‌های ساختاری که بر نقش تغییرات ساختاری جامعه تاکید دارند؛ و دسته دوم که بر تبیین‌های ایده‌ی و نقش مهم‌تر عوامل فرهنگی متمرکز شده‌اند (عسکری ندوشن، عباسی‌شوازی و صادقی ۱۳۸۸).

به اعتقاد گروه اول، تحولات اقتصادی و اجتماعی دهه‌های گذشته و همچنین انقلاب رخ داده در فناوری‌های ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی منجر به بروز شباهت‌های بسیاری در شیوه‌های سکونت در نقاط مختلف جهان شده است و این امر در نهایت نوعی همگرایی را به دنبال خواهد داشت. نظریه‌پردازان نوسازی خانواده ادعا می‌کنند که الگوی فرهنگی غرب در نهایت به یک فرهنگ جهانی تبدیل می‌شود. آن‌ها در مورد اثرات همگن‌سازی سرمایه‌داری صنعتی بر الگوهای خانواده تأکید کرده و اظهار داشته‌اند که خانواده هسته‌ای غربی، نمونه اولیه یک خانواده مدرن است که سرانجام در همه جوامع پدیدار می‌شود (مایر ۲۰۱۳). به اعتقاد گود (۱۹۶۳) با وقوع صنعتی شدن، نوعی از اقتصاد ظهور خواهد کرد که در آن روابط خانوادگی به شدت دچار تغییر می‌شود. در این اقتصاد نوعی از خانواده ظهور می‌کند که در آن، تعهدات نسبت به خویشاوندان گسترده کاهش می‌یابد و بر پیشرفت‌های فردی و روابط زن‌وشوهری تأکید می‌شود. گود با نشان دادن تسلط این نوع از خانواده در کشورهای صنعتی غربی، معتقد

است که با گسترش صنعتی شدن، الگوهای خانوادگی در سراسر جهان بایستی با الگوی خانواده زن و شوهری غربی همگرا شوند (چرلین ۲۰۱۲).

روسل (۱۹۹۲) نیز با حمایت از ایده همگرایی خانوار در جوامع اروپایی معتقد است که در گذشته جوامع به لحاظ ساختار خانوار بسیار شبیه به یکدیگر بودند، سپس برای یک دوره موقت، شاهد تنوع بیشتری در اشکال آن خواهیم بود زیرا همه‌ی کشورها مسیر گذار دوم جمعیتی را [با سرعت و زمان شروع متفاوت] طی می‌کنند و در نهایت زمانی که به مقصد مشابهی رسیدند، دوباره شباهت بسیار زیادی بین آن‌ها به وجود خواهد آمد (به نقل از کویستن<sup>۱</sup> ۱۹۹۵). در طرف مقابل، هافلینگر<sup>۲</sup> (۱۹۹۱) با رد ایده‌ی همگرایی بیان می‌کند که در آینده تنوع فرهنگی بین جوامع همچنان باقی خواهد ماند. به باور وی الگوهای جدید خانواده و زناشویی به طور کامل جایگزین اشکال سنتی نخواهند شد و در عوض انتظار دارد که ترکیب فزاینده‌ای از الگوهای سنتی و مدرن وجود داشته باشد.

در راستای مخالفت با ایده همگرایی خانواده و خانوار، نظریه تغییر خانواده<sup>۳</sup> معتقد است که با تغییر الگوهای سنتی به مدرن، خانواده سنتی لزوماً به خانواده مدرن غربی تغییر نمی‌کند و اگرچه وابستگی‌های متقابل و سلسله مراتب سنتی داخل خانواده کاهش می‌یابد اما وابستگی‌های عاطفی همچنان پابرجاست (مایر<sup>۴</sup> ۲۰۱۳). این امر سبب خواهد شد تا خانواده در سایر جوامع با الگوی غربی آن تفاوت اساسی داشته باشد. بر همین اساس، نظریه تغییر خانواده با دیدگاهی جهانشمول به خانواده غربی و غیرغربی، سه مدل از خانواده را از هم متمایز می‌کند: (۱) الگوی خانوادگی همبستگی کامل<sup>۵</sup>، (۲) الگوی خانوادگی مستقل<sup>۶</sup> و (۳) الگوی خانوادگی همبستگی عاطفی<sup>۷</sup> (کاجیتسیباسی<sup>۸</sup> ۱۹۹۶).

- 
1. Kijesten
  2. Hopflinger
  3. family change theory
  4. Mayer
  5. family model of (total) interdependence
  6. family model of independence
  7. family model of emotional interdependence
  8. Kagitcibasi

الگوی نخست در مناطقی رواج دارد که در آن فرآیند نوسازی هنوز تاثیرگذاری خیلی قوی نداشته است. در این الگو، خانواده گسترده با میزان باروری بالا یک هنجار محسوب می‌شود و کودکان به دلایل اقتصادی و همچنین از نظر عاطفی دارای ارزش هستند و مسئولیت مراقبت از والدین خود را در دوران سالمندی برعهده دارند. وابستگی‌های متقابل در بین اعضای خانواده در موضوعات مادی و همچنین در حوزه عاطفی قوی است. الگوی دوم نقطه مقابل الگوی اول محسوب می‌شود و در فرهنگ‌های غربی و با گرایش فردگرایانه رواج دارد. در این الگو، استقلال فردی در خانواده بسیار ارزشمند بوده و وابستگی متقابل عاطفی چندان مورد تأکید قرار نمی‌گیرد. از آنجا که سیستم‌های تأمین اجتماعی معمولاً مراقبت از سالمندان را برعهده دارند، داشتن فرزندان از یک دارایی اقتصادی به یک هزینه اقتصادی تبدیل شده است و تنها دلایل بچه‌دار شدن، دلایل عاطفی هستند. مدل سوّم به عنوان ترکیبی از دو مدل قبلی شناخته می‌شود. در این الگو، استقلال شخصی اهمیت پیدا می‌کند و وابستگی‌های متقابل مادی و سلسله‌مراتب سنتی در نتیجه فرآیندهای نوسازی در حال کاهش است، با این حال روابط عاطفی همچنان بسیار مهم باقی می‌مانند (مایر ۲۰۱۳).

عباسی شوازی و همکاران (۲۰۰۹) نیز به این موضوع اشاره دارند که برای تغییر و تحولات بُعد و ترکیب خانوار تنها تغییرات ساختاری کفایت نمی‌کند؛ بلکه به طور همزمان تغییر اخلاق و قدرتی که در پس‌زمینه وجود دارد، از ضروریات تغییر محسوب می‌شود. عملکرد خانواده به عنوان عامل اصلی جامعه‌پذیری، تحت تأثیر بستر فرهنگی بزرگتر جامعه قرار دارد. مک‌دونالد (۱۹۹۴) این تاثیرپذیری را تحت عنوان "اخلاق آرمانی خانواده" تفسیر می‌کند. وی معتقد است که این اخلاق، جزئی بنیادی در فرهنگ همه جوامع به شمار می‌رود. خانواده به عنوان هویت جامعه شناخته می‌شود، در نتیجه انتظار می‌رود که تغییر در سازمان‌های خانوادگی به آهستگی رخ دهد؛ هرچند بایستی توجه داشت که با افزایش روند جهانی شدن و بالا رفتن سطح تحصیلات و ارتباطات، نیروهای تغییر همیشه وجود دارند (عباسی شوازی و مک‌دونالد ۲۰۰۸).



به طور کلی، تفسیرهای کارکردی-ساختاری معتقدند که سیستم‌های خانوادگی با سایر ویژگی‌های جامعه، مانند سطح توسعه و نهادهای سیاسی و مذهبی آن همخوانی دارد. در جوامعی که آرمان‌ها به شدت اجرا می‌شوند، تغییرات در سیستم‌های خانوادگی تنها از طریق تغییرات در کنترل نهادهای رسمی رخ می‌دهد، بنابراین در چنین جوامعی پیش‌بینی تغییرات بسیار دشوار است، زیرا تغییرات در نهادها از طریق تغییرات در دیدگاه‌های اندک افرادی رخ می‌دهد که این نهادها را کنترل می‌کنند. در ایران نهاد خانواده تحت نظارت نهادهای فرهنگی، دینی و دولتی است که نسبت به بروز تغییرات شدید در آن واکنش نشان می‌دهند. با این حال تحولات رخ داده در جامعه همچون گسترش تحصیلات (به ویژه برای زنان)، افزایش شهرنشینی، بالا رفتن امید زندگی، تغییرات ارزشی و نگرشی در رابطه با ازدواج و طلاق و ... پیامدهایی را در رابطه با شیوه‌های سکونت در پی داشته است. با این حال ما معتقدیم که اگرچه تحولات ساختارهای خانواده و خانوار در ایران تحت تاثیر تغییرات ساختاری جامعه قرار داشته است، اما نقش عوامل فرهنگی و دینی را به عنوان مانعی برای تغییرات گسترده‌تر نمی‌توان نادیده گرفت. انتظار ما بر این است که ساختار خانوار همزمان که بعضی از ویژگی‌های الگوی غربی را به ارث برده است، اما شاکله اصلی خود را نیز حفظ کرده باشد.

### روش و داده‌های تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع تحلیل ثانویه می‌باشد. جامعه آماری، کل کشور را شامل می‌شود. داده‌های اصلی مورد استفاده در پژوهش حاضر از داده‌های طرح هزینه و درآمد خانوار که مرکز آمار ایران مجری آن است، گرفته شد. با توجه به اینکه داده‌های خام این طرح تنها از سال ۱۳۶۳ به بعد در دسترس هستند، تحلیل‌ها بر روی دوره زمانی ۱۳۹۷-۱۳۶۳ (۳۵ سال) متمرکز شد. اطلاعات مربوط به تغییرات ساختار خانوار و ویژگی‌های فردی سرپرست خانوار از داده‌های این طرح گرفته شده است. منبع مربوط به هر یک از متغیرهای مورد استفاده در پژوهش حاضر در جدول ۱ آورده شده‌اند.

جدول ۱. متغیرهای تحقیق و منابع داده‌های مورد استفاده

نام متغیر	داده‌ی مورد استفاده برای سنجش متغیر	منبع داده
میزان باروری کل	متوسط تعداد فرزندان که یک زن در طول دوره فرزندآوری خود به دنیا خواهد آورد	تحولات باروری در ایران در چهار دهه اخیر (عباسی شوازی و حسینی چاوشی ۱۳۹۲)
امید زندگی	متوسط طول عمر افراد	مدل‌سازی و پیش‌بینی مرگ‌ومیر در ایران (عینی‌زیناب و همکاران ۱۳۹۴)
میزان خام ازدواج	تعداد ازدواج‌های صورت گرفته در هر سال	مرکز آمار ایران - سازمان ثبت احوال
میزان خام طلاق	تعداد طلاق‌های صورت گرفته در هر سال	
شهرنشینی	درصد جمعیت ساکن در مناطق شهری	مرکز آمار ایران
درصد جمعیت کودکان	درصد جمعیت زیر ۱۸ سال	
درصد جمعیت جوان	درصد جمعیت ۱۸-۲۹ سال	
شاخص هزینه مسکن	شاخص کرایه مسکن اجاره‌ای و شاخص قیمت زمین	بانک مرکزی
نرخ تورم	شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی	
وضعیت رفاهی کوهورت	درآمد سرانه و رتبه شغلی کوهورت، تسهیلات زندگی	بخش اول داده‌های هزینه و درآمد خانوار
تحصیلات کوهورت	وضع سواد و سطح تحصیلات افراد کوهورت	
تعداد خانوار	تعداد افراد حاضر در خانوار	
ساختار خانوار	بستگی با سرپرست خانوار	

قبل از انجام تحلیل‌ها، داده‌ها با استفاده از شاخص‌های ویپل، مایرز و شاخص عدم تشابه ساختار سنی ارزیابی شدند و اعتبار آن‌ها مورد تایید قرار گرفت. آماده‌سازی داده‌ها و تحلیل‌های توصیفی با استفاده از نرم‌افزار SPSS 25 انجام گرفت و آزمون مدل سن-دوره-کوهورت سلسله‌مراتبی نیز با نرم‌افزار HLM 7.3 اجرا شدند. استفاده از روش سن-دوره-کوهورت به این

دلیل است که مطالعه حاضر سعی داشت تا روند تحولات خانوار را در طول زمان تبیین کند. همانگونه که اشاره شد، یکی از خला‌های مطالعات خانوار در ایران، مقطعی بودن مطالعات مذکور است و پژوهش حاضر سعی دارد تا در تبیین تحولات خانوار رویکردی طولی اتخاذ کند. لذا مدلی نیاز است تا بتواند در کنار مشخصه‌های فردی، قدرت تاثیرگذاری شرایط اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی کشور در طول دوره زمانی مورد بررسی را نیز نشان دهد. ویژگی‌های خانوار خود می‌تواند تحت تاثیر شرایط جامعه در سطح کلان قرار گیرد لذا برای جلوگیری از مشکل همبستگی داده‌ها از روش سلسله‌مراتبی استفاده شد که بر اساس آن ویژگی‌های فردی و شرایط دوره‌ای در سطوح مختلف وارد تحلیل شوند.

واحد تحلیل، خانوار می‌باشد و روند تغییرات در انواع خانوار در طول دوره مورد مطالعه نشان داده شده است. نوع خانوار بر اساس ارتباط اعضای خانوار با سرپرست خانوار ساخته شده است و برای این منظور، سیستم طبقه‌بندی توصیه‌شده توسط سازمان ملل متحد (IPUMS ۲۰۲۰) مورد استفاده قرار گرفت.

برای تحلیل‌های توصیفی، ابتدا تغییرات ساختار خانوار در کل کشور ارائه خواهد شد. در تحلیل چند متغیره از تکنیک روش سن-دوره-کوهورت سلسله‌مراتبی برای بررسی تأثیرات هم‌زمان متغیرها استفاده گردید. با توجه به اینکه خانوارهای زوجین به همراه حداقل یک فرزند ازدواج نکرده (خانوار هسته‌ای) شکل غالب خانوار در ایران می‌باشد و هرگونه افزایش یا کاهش در تعداد و سهم این نوع خانوارها تأثیر معناداری بر سهم دیگر خانوارها و در نتیجه بر ساختار خانوار دارد، در تحلیل‌های سن-دوره-کوهورت احتمال تشکیل این نوع از خانوار مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بر این اساس به خانوارهای هسته‌ای کد ۱ و به سایر خانوارها کد ۰ داده شد. در این راه از مدل دوسطحی تقاطعی استفاده می‌شود که بر اساس آن احتمال تشکیل خانوار هسته‌ای تابعی از ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی خانوار و یا سرپرست آن (سطح اول) و ویژگی‌های کوهورت و دوره (سطح دوم) می‌باشد. بر این اساس، جمعیت مورد مطالعه در ۷ دوره و ۲۱ کوهورت طبقه‌بندی شدند.

از آنجا که متغیر وابسته به صورت اسمی دوجویی می‌باشد، مدل سطح ۱ در صورتی که هیچ متغیر پیش‌بین دیگری وارد مدل نشده باشد به صورت زیر خواهد بود:

$$\eta_{i(jk)} = \ln \left[ \frac{p_{i(jk)}}{1 - p_{i(jk)}} \right] = \pi_{0jk}$$

چنانچه در سطح ۱ متغیرهای پیش‌بین وارد مدل شده باشند، مدل فوق به صورت زیر در خواهد آمد:

$$\eta_{i(jk)} = \ln \left[ \frac{p_{i(jk)}}{1 - p_{i(jk)}} \right] = \pi_{0jk} + \pi_1 a_{1(jk)} + \dots + \pi_{q-1} a_{q-1i(jk)}$$

در سطح ۲، مدل صفر به صورت زیر خواهد بود:

$$\pi_{0jk} = \beta_{00} + u_{0j} + u_{0k} + u_{0jk}$$

که در آن

$\beta_{00}$  عرض از مبدأ مدل است که برابر است با مقدار مورد انتظار  $\pi_{0jk}$  هنگامی که متغیرهای پیش‌بین دیگری وارد مدل نشده باشد یا صفر در نظر گرفته شوند؛  
 $u_{0j}$  اثرات تصادفی متغیرهای پیش‌بین سطح کوهورت است،  
 $u_{0k}$  اثرات تصادفی متغیرهای پیش‌بین سطح دوره است،  
 $u_{0jk}$  اثر تصادفی تعاملی متغیرهای دوره و کوهورت است.  
 و در نهایت مدل صفر ترکیبی به این صورت خواهیم داشت:

$$\eta_{i(jk)} = \ln \left[ \frac{p_{i(jk)}}{1 - p_{i(jk)}} \right] = \pi_{0jk} + u_{0j} + u_{0k}$$

یافته‌ها

#### ۱- ساختار خانوار در ایران

ساختار خانوار در طول زمان و برحسب شرایط اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی هر جامعه‌ای دچار تغییر و دگرگونی‌هایی می‌شود. بررسی ساختار خانوار در جامعه‌ی ایرانی نیز در چند

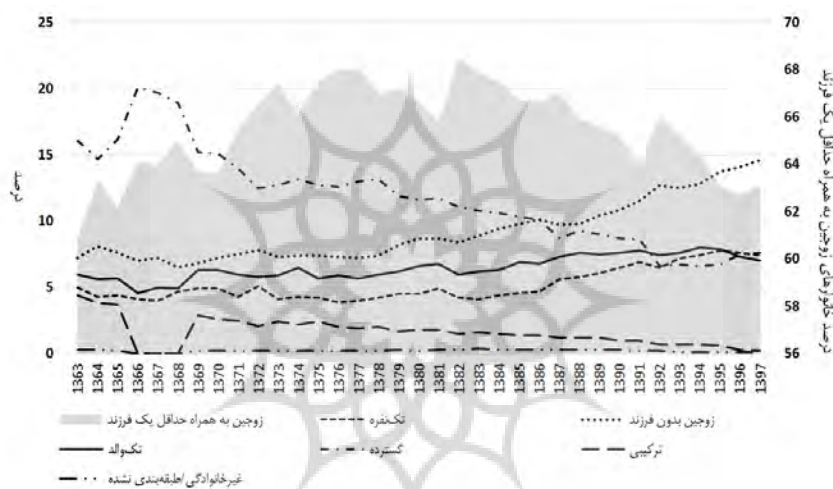
دهه‌ی اخیر و به ویژه در طی سالیان پایانی نشان می‌دهد که تغییرات خود را شروع کرده است (شکل ۱).

اولین نکته‌ای که در رابطه با شکل ۱ می‌توان اشاره کرد این است که خانوارهای غیرخانوادگی در ایران در طی دوره‌ی مورد مطالعه همواره درصد بسیار اندکی از انواع خانوار را به خود اختصاص داده‌اند. در طرف مقابل، در طی همه این سال‌ها تعداد خانوارهای زوجین به همراه حداقل یک فرزند (خانوار هسته‌ای) همیشه اکثریت مطلق خانوارها را تشکیل داده‌اند. این خانوارها در ابتدای دوره ۶۱/۲ درصد خانوارهای ایرانی را شامل شده است. به نظر می‌رسد تحولات جمعیتی به ویژه در زمینه ازدواج و باروری در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی ایران سبب افزایش این دسته از خانوارها در دهه‌های بعد شده است. به طوری که در سال ۱۳۸۲ به بالاترین مقدار خود یعنی حدود ۶۸/۵ درصد رسیده است. با این حال پس از این دوره روند کاهشی خود را در پیش گرفته است و در سال ۱۳۹۷ حدود ۶۳/۷ درصد خانوارهای ایرانی از این نوع می‌باشند. بایستی توجه کرد که علیرغم وجود نوعی ثبات در سهم این خانوارها، نکته مهم‌تر تنوع موجود داخل این خانوارها به لحاظ تعداد فرزندان است. در حالی که در ابتدای دوره اکثریت مطلق (۶۵ درصد) این خانوارها تعداد ۳ فرزند و یا بیشتر را در خود جای داده بودند، به مرور زمان کاهش شدیدی در تعداد این خانوارها را شاهد هستیم به طوری که در سال ۱۳۹۷ تعداد آن‌ها به ۲۱ درصد رسیده است. در طرف مقابل، خانوارهای با یک یا دو فرزند افزایشی دو برابری را به ثبت رسانده‌اند. تعداد خانوارهای با یک فرزند از ۱۷ درصد به ۳۶/۸ درصد و خانوارهای با دو فرزند از ۱۹/۶ درصد به ۴۲/۲ درصد افزایش داشته‌اند.

روندهای مربوط به خانوارهای گسترده و ترکیبی نیز در طول سه دهه گذشته یک فرآیند کاهشی را تجربه کرده‌اند. افزایش خانوارهای گسترده در دوره ۱۳۷۰-۱۳۶۶ به نسبت دوره قبل از آن و نیز کاهش شدید در خانوارهای ترکیبی در زمان مذکور نه به دلیل روندهای جمعیتی، بلکه به خاطر نقص داده‌های موجود می‌باشد. با این حال یافته‌ها نشان می‌دهد که در طی ۳۳ سال گذشته تعداد خانوارهای گسترده به کمتر از نصف تقلیل یافته است، به طوری که

در ابتدای دوره ۱۵/۸ درصد از کل خانوارها را شامل می‌شد ولی در پایان دوره این رقم به ۷ درصد رسیده است.

افول خانوارهای ترکیبی در طول دوره نیز مشخص است. این خانوارها در سال ۱۳۶۳ حدود ۴/۴ درصد خانوارها را شامل می‌شد که در سال پایانی تنها ۰/۲ درصد از آن‌ها باقی‌مانده است و رو به محو شدن گذاشته‌اند.



شکل ۱. تغییرات ساختار خانوار در ایران، ۱۳۶۳-۱۳۹۷

سه نوع دیگر خانوار در طی این مدت روندی افزایشی را در پیش گرفته‌اند. خانوارهای تک‌نفره از ۴/۶ درصد در سال ۱۳۶۴ به حدود ۷ درصد در سال پایانی رسیده است. عمده افزایش صورت گرفته مربوط به خانوارهای تک‌نفره سالمند می‌باشد به ویژه اینکه بیشتر آن‌ها نیز زنان سالمند هستند. سهم خانوارهای زوجین بدون فرزند نیز دارای سیر صعودی بوده است. این خانوارها در ابتدای دوره حدود ۷/۲ درصد کل خانوارهای ایرانی را به خود اختصاص داده بودند که با افزایشی تقریباً دو برابری، سهم آن‌ها در سال پایانی به ۱۴/۶ درصد رسیده است. بررسی‌های بیشتر این خانوارها بر حسب سن نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد آن‌ها در سنین

بالای ۵۰ سال می‌باشند (این زوجین لزوماً افراد بدون فرزند نیستند و بیشتر آن‌ها والدینی هستند که فرزندان‌شان پس از ازدواج در خانه‌های جداگانه‌ای ساکن شده‌اند) و لذا نمی‌توان انتظار داشت که در سال‌های بعد آن‌ها به خانوارهای از نوع زوجین دارای حداقل یک فرزند تغییر کنند ولی در طرف مقابل انتظار می‌رود با افزایش ازدواج زوج‌های جوان‌تر بر تعداد این خانوارها افزوده شود.

تعداد خانوارهای تک‌والد نیز از ۵/۵ درصد در سال ۱۳۶۴ به حدود ۸ درصد در انتهای دوره افزایش یافته است. نکته مهم در مورد روند صعودی خانوارهای مذکور این است که این افزایش تنها به دلیل افزایش در تعداد خانوارهای مادر والد بوده است و حتی درصد خانوارهای پدروالد در طول دوره رو به کاهش نیز بوده است. به این صورت که خانوارهای پدروالد در سال ۱۳۶۳ برابر با ۱۸/۸ درصد می‌باشد که در سال ۱۳۹۵ به ۱۷/۶ درصد رسیده است. این در حالی است که درصد خانوارهای مادروالد در این مدت از ۷۱/۲ درصد در سال آغازین به ۸۲/۴ درصد در دوره پایانی رسیده است. افزایش خانوارهای تک‌والد می‌تواند به دو دلیل افزایش در امید زندگی و میزان طلاق رخ دهد. نابرابری موجود در میزان‌های امید زندگی مردان و زنان سبب شده است تا زنان در سنین بالا خانوارهای‌شان را سرپرستی کنند. همچنین امروزه با توجه به عادی شدن طلاق در جامعه، بر خلاف دهه‌های پیشین افراد پس از طلاق به خانه والدین بر نمی‌گردند و در خانوارهای جدا باقی می‌مانند که افزایش خانوارهای تک‌والد را در پی داشته است.

## ۲- تحلیل چندمتغیره

در این بخش عوامل جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری خانوارهای هسته‌ای به همراه ویژگی‌های فردی سرپرستان خانوار به بحث گذاشته شده است. نتایج کاربرد مدل سن-دوره-کوهورت چندسطحی در چهار مدل ارائه شده است. مدل اول به نتایج حاصل از برازش مدل صفر اختصاص دارد که در آن هیچ یک از متغیرهای تبیینی وارد مدل نشده‌اند. هدف این است که مشخص کنیم که بدون وارد کردن متغیرهای پیش‌بین، آیا احتمال شکل‌گیری خانوارهای هسته‌ای در بین کوهورت‌ها و دوره‌هایی که افراد در آن‌ها به سر می‌برند متفاوت

است یا خیر. در مدل دوم متغیرهای سطح فردی وارد مدل شده‌اند تا مشخص شود که آیا ویژگی‌های افراد می‌تواند احتمال شکل‌گیری خانوار هسته‌ای در بین کوهورت‌ها و دوره‌ها را تغییر دهد یا خیر. در مدل سوم، متغیرهای تبیینی سطوح دوره و کوهورت نیز به مدل اضافه می‌شوند تا میزان تأثیرگذاری هر یک از متغیرهای تبیینی مربوط به عوامل جمعیتی، اقتصادی-اجتماعی و فردی در کنار هم ارزیابی شوند. در نهایت و در مدل چهارم، متغیرهای فردی در سطوح دوره و کوهورت کنترل می‌شوند تا مشخص شود که آیا این ویژگی‌ها در بین دوره‌ها و کوهورت‌های مختلف بر تغییرات متغیر وابسته تأثیرگذار هستند یا خیر. در این مدل همچنین مشخص می‌شود که با کنترل متغیرهای فردی در سطح دو، چه تغییراتی را در ضرایب ثابت متغیرهای تبیینی شاهد خواهیم بود.

جدول ۲ نتایج مدل چندسطحی سن-دوره-کوهورت برای بررسی احتمال تشکیل خانوارهای هسته‌ای را نشان می‌دهد. نتایج مربوط به اثرات تصادفی در مدل اول حاکی از آن است که میزان واریانس متغیر وابسته هم در سطح فردی و هم در سطح کوهورت به لحاظ آماری و در سطح خطای کوچک‌تر از یک درصد معنی‌دار می‌باشد که این امر نشان می‌دهد بخشی از واریانس موجود در احتمال شکل‌گیری خانوارهای هسته‌ای به دلیل ویژگی‌های فردی سرپرستان خانوار و همچنین کوهورت‌هایی می‌باشد که سرپرستان خانوار در آن حضور دارند. با این حال، حضور سرپرستان در دوره‌های مختلف سبب ایجاد تغییر در متغیر وابسته نبوده است. این امر می‌تواند ناشی از این موضوع باشد که تغییرات این خانوارها در مقایسه با دیگر انواع خانوار در طول دوره‌های مختلف بسیار کمتر بود. مقدار نسبت شانس به دست آمده برای عرض از مبدأ نیز به صورت مثبت و برابر با  $1/356$  می‌باشد. این رقم نشان می‌دهد که احتمال شکل‌گیری خانوار هسته‌ای بیش از احتمال عدم تشکیل آن است. به این ترتیب احتمال شکل‌گیری این نوع از خانوار در میان جمعیت مورد مطالعه بیش از ۵۷ درصد می‌باشد.

در مدل دوم مربوط به خانوارهای هسته‌ای، ویژگی‌های سرپرستان خانوار وارد شدند. نتایج نشان می‌دهد که هر چه سن سرپرست خانوار افزایش یابد، احتمال تشکیل خانوار هسته‌ای نیز



کاهش می‌یابد. جنس سرپرست خانوار متغیری بوده است که بیشترین تأثیر را بر احتمال تشکیل خانوار هسته‌ای دارد به این صورت که مردان در مقایسه با زنان ۱۵۱ برابر بیشتر احتمال دارد تا خانوارهایی از این نوع را سرپرستی کنند. تأثیر قابل ملاحظه جنس بر احتمال تشکیل خانوارهای هسته‌ای از آن رو است که در جامعه ایرانی، وقتی هر دو والد در خانوار حضور داشته باشند، معمولاً سرپرستی خانوار بر عهده مردان خواهد بود. احتمال شکل‌گیری این نوع خانوارها در مناطق شهری نیز در مقایسه با مناطق روستایی ۱۹/۵ درصد بیشتر است. از طرفی افراد شاغل حدود ۷۸ درصد و افراد با تحصیلات متوسطه و دانشگاهی نیز ۵/۷ درصد بیشتر از هم‌تایان خود احتمال دارد که سرپرستی خانوارهای هسته‌ای را بر عهده داشته باشند. اثرات تصادفی به دست آمده برای مدل دوم نشان می‌دهد که مقدار واریانس به دست آمده برای هر دو سطح در مقایسه با مدل قبلی کاهش داشته است.

جدول ۲. مدل چندسطحی سن-دوره-کوهورت برای تبیین احتمال شکل‌گیری خانوارهای زوجین به همراه فرزند (هسته‌ای)

اثرات ثابت				
نسبت شانس				
مدل اول	مدل دوم	مدل سوم	مدل چهارم	
۱/۳۵۶**	۰/۰۱۲**	۰/۰۲۹ <sup>ns</sup>	۰/۰۰۰ <sup>ns</sup>	عرض از مبدأ
	۰/۹۸۷**	۰/۹۸۱**	۱/۰۴۸ <sup>ns</sup>	سن سرپرست
	۱۵۱/۶۷۵**	۱۵۱/۷۴۱**	۲۲۵/۶۹۷**	جنس سرپرست (زن)
	۱/۱۹۵**	۱/۱۹۵**	۱/۱۴۳**	محل سکونت (روستا)
	۱/۷۷۹**	۱/۷۸۱**	۱/۳۹۵**	وضعیت اشتغال (غیرشاغل)
	۱/۰۵۷**	۱/۰۵۶**	۰/۸۴۰ <sup>ns</sup>	تحصیلات سرپرست
		۱/۰۰۱**	۱/۰۰۱**	وضعیت رفاهی کوهورت
		۰/۲۲۷**	۰/۰۰۱**	تحصیلات کوهورت
		۱/۰۳۲**	۱/۹۸۴*	میزان باروری کل
		۱/۰۵۷ <sup>ns</sup>	۱/۶۲۷ <sup>ns</sup>	میزان عمومی ازدواج

ادامه جدول ۲. مدل چندسطحی سن-دوره-کوهورت برای تبیین احتمال شکل‌گیری خانوارهای زوجین به همراه فرزند (هسته‌ای)

اثرات ثابت				
نسبت شانس				
مدل اول	مدل دوم	مدل سوم	مدل چهارم	
			۱/۸۵۳ <sup>ns</sup>	میزان عمومی طلاق
			۱/۰۴۲**	شهرنشینی
			۰/۹۹۹*	هزینه مسکن
			۱/۰۰۴**	تورم اقتصادی
			۱/۱۱۰ <sup>ns</sup>	درصد جمعیت کودکان
			۰/۹۰۷ <sup>ns</sup>	درصد جمعیت جوان
اثرات تصادفی				
واریانس				
			۰/۴۴۶*	کوهورت
			۰/۰۲۵*	سن
			۰/۲۷۷*	تحصیلات سرپرست
			۲/۲۴۶*	محل سکونت
			۰/۰۸۰ <sup>ns</sup>	دوره
			۰/۰۰۰ <sup>ns</sup>	سن
			۰/۰۸۷ <sup>ns</sup>	تحصیلات سرپرست
			۳/۷۸۷ <sup>ns</sup>	محل سکونت

نکته: طبقات مرجع در داخل پرانتز آورده شده‌اند. \*\* = معنی‌دار در سطح خطای <math>0.01</math>، \* = معنی‌دار در

سطح خطای <math>0.05</math>، ns = غیرمعنی‌دار

در مدل سوم، بررسی تغییرات متغیر وابسته با حضور متغیرهای سطح دوره و کوهورت در کنار ویژگی‌های فردی آنان مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های به دست آمده برای اثرات تصادفی نشان می‌دهد که واریانس سطح دوره به لحاظ آماری همچنان غیرمعنادار شده است

ولی واریانس سطح کوهورت اگرچه با کاهش همراه بوده است اما هنوز معنادار می‌باشد. در سطح کوهورت، هم تأثیر متغیر وضعیت رفاهی (تأثیر مثبت) و هم متغیر تحصیلات (تأثیر منفی) معنادار شده‌اند. در سطح دوره میزان باروری کل و شهرنشینی تأثیر معناداری بر افزایش احتمال این نوع از خانوارها داشته است ولی افزایش تورم اقتصادی و هزینه مسکن احتمال تشکیل خانوارهای مذکور را کاهش می‌دهد. شهرنشینی منجر به کوچک‌شدن خانه‌ها شده است و این امر خود یکی از عواملی است که خانوارها کوچکتر شده‌اند. در واقع خانوار هسته‌ای رابطه تنگاتنگی با افزایش شهرنشینی در همه نقاط جهان داشته است و ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. هزینه‌های مسکن و تورم اقتصادی، هم به خانه‌های کوچک‌تر منجر خواهند شد هم هزینه‌های تربیت و پرورش فرزندان را افزایش خواهند داد. لذا طبیعی است در دوره‌هایی که این دو متغیر در سطح بالاتری قرار گیرند، بر تعداد خانوارهای کوچک‌تر نیز افزوده شود. در سطح فردی، همه‌ی متغیرها، تأثیرات معنی‌دار خود را حفظ کرده‌اند و تنها تغییرات اندکی در نسبت‌های شانس آن‌ها شاهد هستیم.

در مدل نهایی و با کنترل ویژگی‌های فردی در میان دوره‌ها و کوهورت‌های مختلف، شاهد هستیم که اثرات ثابت متغیرهای مورد نظر ما دچار تغییرات زیادی شده‌اند. به طوری که اثرات ثابت متغیرهای سن و تحصیلات سرپرست غیرمعنادار شده‌اند. در طرف مقابل مشاهده می‌کنیم که مقدار نسبت شانس متغیر جنس افزایش بسیار زیادی داشته است. هر دو متغیر واقع در سطح کوهورت تأثیرات خود را حفظ کرده‌اند و تغییر چندانی نیز در نسبت‌های شانس آن‌ها به وجود نیامده است. در میان متغیرهای دوره‌ای نیز مشاهده می‌کنیم که میزان باروری کل و شهرنشینی همچنان تأثیر مثبت و هزینه مسکن تأثیر منفی بر احتمال شکل‌گیری خانوارهای هسته‌ای داشته‌اند. اثرات تصادفی به دست آمده نیز نشان می‌دهد که رابطه بین سن، تحصیلات و محل سکونت با احتمال شکل‌گیری خانوارهای هسته‌ای کامل در بین کوهورت‌ها به صورت معناداری متفاوت بوده است ولی این رابطه در بین دوره‌ها دیده نمی‌شود.

یافته‌های بالا نشان می‌دهد که در مطالعه افراد و نوع خانوار و خانواده آن‌ها، توجه به کوهورت‌ها و دوره‌هایی که افراد در آن‌ها زندگی می‌کنند، ضروری است زیرا اثرات دوره‌ای و تجربیات کوهورت‌های مختلف می‌تواند نوع خانوار افراد را تحت تاثیر قرار دهد. تغییرات در مقادیر نسبت‌های شانس در مدل‌های مختلف حاکی از این است که تاثیرات ویژگی‌های فردی سرپرست خانوار بر نوع خانوار آن‌ها، می‌تواند با کنترل متغیرهای دوره‌ای و کوهورتی تعدیل خواهند شد. تغییرات اثرات تصادفی در مدل‌های مختلف نیز نشان می‌دهد که با وارد شدن متغیرهای دوره‌ای و کوهورتی به مدل‌ها، واریانس بین کوهورت‌ها و دوره‌ها رو به کاهش می‌گذارد. لذا در مطالعه خانوارها نمی‌توان تنها به صورت مقطعی و بر ویژگی‌های فردی متمرکز بود.

### بحث و نتیجه‌گیری

ایران در دهه‌های گذشته تغییرات عمده‌ای را به لحاظ اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی تجربه کرده است. افزایش شهرنشینی، افزایش ورود زنان به بازار کار، افزایش امید زندگی، بالا رفتن سن ازدواج در هر دو جنس در کنار تغییرات ارزشی و نگرشی که در سطح جامعه و به واسطه مسائلی همچون جهانی‌شدن، گسترش رسانه‌های جمعی، افزایش سطح تحصیلات افراد و اشاعه‌ی رفتارهای نوین رخ داده است، سبب شده تا انتظار داشته باشیم تغییراتی را نیز در ترتیبات زندگی افراد و ساختار خانواده و خانوار مشاهده کنیم. در این راستا و از آنجا که تغییرات در ساختار خانوار، نه در کوتاه‌مدت که در طول زمان خود را نشان خواهد داد، در این پژوهش اطلاعات مربوط به ۳۵ سال مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که ساختار خانوار در ایران علیرغم اینکه از نوعی ثبات نسبی برخوردار بوده است، اما تغییرات مهمی را نیز تجربه کرده است و در این بین تشابهات و تمایزات اساسی با ساختار خانوار در جوامع توسعه یافته دارد. نخست اینکه بر خلاف جوامع غربی، تعداد خانوارهای غیرخانوادگی (به غیر از خانوارهای تک‌نفره) همواره بسیار اندک و کمتر از یک درصد بوده است. از طرفی همچون سایر جوامع توسعه یافته، سهم

خانوارهای تک نفره به مرور زمان افزایش داشته است که بخش عمده آن نیز در اثر افزایش امید زندگی رخ داده است که تقریباً در تمامی جوامع جهان اتفاق افتاده است. اهمیت رشد این خانوارها در ایران را می‌توان از این جهت بررسی کرد که بیشتر آن‌ها را زنان سالمند تشکیل می‌دهند. از آنجا که اشتغال زنان در ایران به ویژه در سالیان گذشته در سطح پایینی بوده است، بیشتر زنان سالمند فاقد مقرری‌هایی همانند حقوق بازنشستگی هستند، لذا به احتمال زیاد در سال‌های پایانی عمر با مشکلات مالی بیشتری روبرو خواهند شد. ترکیب سنی خانوارهای تک نفره نیز نشان‌دهنده دیگر تفاوت مهم ساختار خانوار در ایران با جوامع دیگر می‌باشد. در جوامع توسعه‌یافته که دارای بافت فرهنگی متفاوتی با ایران هستند، اگرچه تعداد خانوارهای تک نفره در سنین بالاتر بیشتر است، اما تعداد این خانوارها در بقیه سنین از فراوانی بالایی برخوردار است. به ویژه شاهد هستیم که در مناطقی همچون ایالات متحده، اروپا، ژاپن و کانادا تعداد قابل توجهی از خانوارهای تک نفره به سنین میانی تعلق دارند (یامیسون، واسوف و سیمپسون<sup>۱</sup>، رایمو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵، تانگ، گالبریت و ترانگ<sup>۳</sup> ۲۰۱۹) که در ایران خلاف این موضوع را شاهد هستیم. هر چند افزایش اندکی را می‌توان در خانوارهای تک نفره برای افراد میان‌سال در طول دوره مشاهده کرد.

افزایش در تعداد خانوارهای زوجین بدون فرزند در ایران توجهات زیادی را به ویژه در میان سیاست‌گذاران به خود معطوف کرده است. هرچند برخی از این خانوارها به جوانانی تعلق داشته است که باروری خود را هنوز شروع نکرده یا به تأخیر انداخته‌اند، اما بیش از نیمی از آن‌ها مربوط به زوجین بالای ۵۰ سال می‌باشد و بدین ترتیب انتظار نمی‌رود در سال‌های آتی به خانوار هسته‌ای کامل تغییر کنند. از دلایل افزایش در تعداد این خانوارها می‌توان به دو مورد اشاره کرد. نخست اینکه همان‌گونه که اشاره شد برخی از جوانانی که در سالیان اخیر ازدواج کرده‌اند هنوز فرزندان خود را به دنیا نیاورده‌اند. به ویژه اینکه مطالعات در زمینه باروری نشان از به تأخیر انداختن باروری در سال‌های اولیه زندگی مشترک داده‌اند (عباسی‌شوازی و خانی

---

1 Jamieson, Wasoff & Simpson

2 Rymo

3 Tang, Galbraith & Truong

۱۳۹۳، رازقی نصرآباد، عباسی شوازی و قاضی طباطبایی ۱۳۹۱، رازقی نصرآباد، عباسی شوازی و حسینی چاوشی ۱۳۹۳، ترابی ۱۳۹۱). نکته دیگر اینکه درصد بسیار بالایی از فرزندان که ازدواج می‌کنند دیگر همانند سابق با والدین خود زندگی نمی‌کنند و بعد از ازدواج، خانوار والدین را ترک می‌کنند. این موضوع می‌تواند به تنها ماندن والدین در سال‌های بالاتر عمر (عموماً بعد از ۵۰ سالگی) بینجامد و تعداد این خانوارها را افزایش دهد.

در رابطه با کاهش خانوارهای گسترده و ترکیبی نیز می‌توان به دلایل متعددی اشاره کرد. شهرنشینی، افزایش هزینه‌های مسکن، تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها در مورد ماندن فرزندان در خانه والدین می‌تواند از مهم‌ترین دلایل این کاهش باشد. نکته‌ی مورد انتظار این است که در همه‌ی سال‌های مورد مطالعه، تعداد خانوارهای گسترده در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری بوده است. نکته قابل ذکر در مورد افزایش خانوارهای تک‌والد نیز این است که افزایش موجود در این خانوارها نه به دلیل افزایش در تعداد زنان بیوه که به دلیل افزایش در تعداد زنان مطلقه رخ داده است.

یکی از تمایزات عمده ساختار خانوار در ایران و جوامع توسعه‌یافته، سهم خانوارهای هسته‌ای در طول زمان است. خانوارهای زوجین به همراه حداقل یک فرزند ازدواج‌نکرده (هسته‌ای کامل) در تمامی سال‌های مورد مطالعه، اکثریت مطلق خانوارها را به خود اختصاص داده است. تعداد این خانوارها همواره بالای ۶۰ درصد بوده است، هرچند از اوایل دهه ۱۳۸۰ روندی کاهشی را در تعداد این نوع از خانوارها شاهد هستیم. مهم‌ترین دلیلی که می‌توان برای کاهش نه چندان زیاد نام برد، باقی‌ماندن فرزندان در خانه والدین به مدت طولانی‌تر نسبت به دوره‌های قبل از آن است که دلیل عمده آن ادامه تحصیلات در مقاطع بالاتر و به تأخیر انداختن ازدواج ناشی از شرایط اقتصادی آنان بوده است. مطالعات پیشین در ایران تأثیر معکوس ناامنی اقتصادی بر تأخیر در ازدواج و فرزندآوری را مورد تأیید قرار داده‌اند (عباسی شوازی و خانی ۱۳۹۵، عباسی شوازی و خانی ۱۳۹۳، صادقی و شکفته‌گوهری ۱۳۹۶، عبداللهی و قاضی طباطبایی ۱۳۹۶). عباسی شوازی و بگی (۱۳۹۸) نیز در بررسی ترتیبات زندگی جوانان در ایران

نشان دادند که در مقایسه با دهه‌های پیشین، درصد فرزندان که در خانه‌ی والدین سکونت دارند افزایش یافته است. این موضوع یکی از تفاوت‌های عمده‌ی جامعه ایرانی را در مقایسه با جوامع غربی نشان می‌دهد. به عنوان مثال، همسکنایی فرزندان بالغ با حداقل یکی از والدین در فاصله سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۰ در آلمان ۴/۴۵، در فرانسه ۲/۶۵، در اتریش ۹/۲۴، در بلژیک ۶/۱۵ و در هلند ۱/۲۸ درصد بوده است (دی‌واک و بوردون ۲۰۱۸). در جوامع غربی، به تأخیر انداختن ازدواج سبب باقی ماندن فرزندان در خانه والدین به مدت طولانی‌تر نشده است. افراد با به تأخیر انداختن ازدواج به دیگر شیوه‌های جایگزین همچون همخانگی رو می‌آورند و خانه والدین را ترک می‌کنند که این مسئله به‌نوبه‌ی خود به ظهور اشکال جدید خانوار در این جوامع منجر شده است. حال آن که در ایران به دلیل بافت فرهنگی و مذهبی موجود، تأخیر در ازدواج سبب شده است تا این نوع از خانوارها همچنان در حالت اکثریت باقی بماند. در ایران دین و مذهب آزادی روابط جنسی خارج از دایره زناشویی را منع کرده است. لذا فرزندان تا زمان ازدواج در خانه والدین باقی می‌مانند. از طرفی افزایش سال‌های تحصیل و بیکاری جوانان، خود منجر به بالا رفتن سن ازدواج شده است به طوری که در سال ۱۳۹۵ میانگین سن ازدواج پسران به ۲۷ و زنان به ۲۳ سال رسیده است (مرکز آمار ایران ۱۳۹۷). لذا فرزندان به طور میانگین تا حدود ۲۵ سالگی همچنان در خانه والدین ساکن هستند. در واقع اگر افزایش سطح تحمل جامعه و خانواده‌ها (والدین) در جوامع غربی در رابطه با رفتارهای جدید جوانان همچون همخانگی و روابط جنسی آزاد منجر به تغییرات در ساختار خانوار آنان شد (بورچ و متیوز ۱۹۸۷) اما در جامعه‌ی ایرانی این موضوع به عنوان یک مانع عمل کرده است. همه‌ی این مسائل سبب شده است تا خانوار هسته‌ای سلطه‌ی خود را در چند دهه‌ی گذشته حفظ کند. تحلیل‌های بیشتر نیز نشان داد که احتمال تشکیل این خانوارها در دوره‌های مختلف چندان متفاوت نیست. زیرا این خانوارها در تمامی دوره‌ها از اکثریت مطلق برخوردار بودند.

مطابق با نظریه نوسازی، برخی تحولات ساختاری توانسته است سبب ایجاد تغییراتی در ساختار خانوارهای ایرانی شود. افزایش میزان‌های شهرنشینی و بالا رفتن هزینه‌های مسکن،

گسترش تحصیلات، افزایش در میزان‌های اشتغال زنان و همچنین میزان‌های طلاق بالاتر در مقایسه با دهه‌های گذشته، همگی از عواملی هستند که سبب شده‌اند تا تغییراتی در سهم انواع خانوارها شاهد باشیم. این تغییرات همچنان که بیان شد در افزایش خانوارهای تک‌نفره و تک‌والد و کاهش خانوارهای گسترده و چندنسلی خود را نشان داده‌اند. با این حال بالا بودن عمومیت ازدواج، تاکید بر ماندن فرزندان در خانه والدین تا زمان ازدواج و عدم وجود همخانگی در ایران باعث شده است تا همچنان سهم خانوارهای هسته‌ای در اکثریت باقی بماند. لذا استدلال‌های ارائه شده توسط هافلینگر (۱۹۹۱) و مک‌دونالد (۱۹۹۴) مبنی بر قدرت عوامل فرهنگی و دینی در جلوگیری از تغییرات گسترده در ساختار خانواده و خانوار، در ایران به خوبی قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد پویایی خانوار در ایران در سه دهه گذشته، به جای آن‌که در جهت تبدیل شدن به الگوی خانواده مستقل غربی حرکت کند، ویژگی‌های یک الگوی همبستگی عاطفی را به خود گرفته است. تعداد افرادی که به تنهایی زندگی می‌کنند در مقایسه با جوامع توسعه‌یافته بسیار اندک است و مقدار افزایش مشاهده شده برای این افراد در مدت زمان بیش از سه دهه، رقم پایینی است که نشان می‌دهد حمایت‌های بین‌نسلی در ایران همچنان در سطح بالایی قرار دارد.

به طور کلی بایستی بیان کرد که اگرچه ساختار خانواده و خانوار در ایران تا دهه‌های پیش از ثبات نسبی برخوردار بود، اما روند تغییرات از حدود یک دهه‌ی پیش سرعت گرفته است. تغییرات در ارزش‌های جوانان در رابطه با خانواده نیز می‌تواند سرعت رشد تغییرات در ساختار خانوار را افزایش دهد. به این صورت که خانوارهای تک‌نفره در بین جوانان رشد بیشتری داشته باشد. خانوارهای تک‌والد و نیز زوجین بدون فرزند بیشتری داشته باشیم و در طرف مقابل از سهم خانوارهای هسته‌ای کاسته شود (بگی و عباسی‌شوازی ۲۰۲۱). لذا این موضوع که نهادهای تصمیم‌گیرنده در جامعه‌ی ایرانی، تا چه حد در مقابل تغییرات ارزشی و نگرشی به ویژه در میان جوانان، انعطاف‌پذیر خواهند بود، یک عنصر کلیدی در آینده ساختار خانواده و خانوار در ایران خواهد بود.



## منابع

- آسایش، فاطمه و جعفر رحمانی شمسی (۱۳۹۵). "بررسی سطح رفاه خانوارهای شهری و روستایی استان یزد و مقایسه‌ی آن با کشور ۱۳۸۱-۱۳۹۳"، *دوماهنامه تحلیلی-پژوهشی آمار*، پژوهشکده آمار، جلد ۴، شماره ۲، صص ۲۶-۲۱.
- ترابی، فاطمه (۱۳۹۱). "تأملی بر پایان‌نامه تأخیر ازدواج و کاهش باروری در ایران"، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، شماره ۴۲، صص ۱۰۰-۹۸.
- ترابی، فاطمه و محمود قاضی طباطبایی (۱۳۹۵). "خانوارهای زن سرپرست در ایران: مجموعه‌ای در حال افزایش و ناهمگون"، بررسی مسائل نوظهور جمعیتی ایران، صص ۳۷-۳۱.
- ترابی، فاطمه، محمد میرزایی و محمد حدادی (۱۳۹۷). "تعیین‌کننده‌های بُعد خانوار در شهرستان‌های ایران در سال ۱۳۹۰"، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال ۱۳، شماره ۲۵، صص ۱۳۲-۱۰۷.
- حدادی، محمد (۱۳۹۴). "بررسی تعیین‌کننده‌های بُعد خانوار در ایران سال ۱۳۹۰"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- رازقی نصرآباد، حجه بی‌بی، محمدجلال عباسی شوازی، محمود قاضی طباطبایی (۱۳۹۱). "تحلیل چندسطحی عوامل مؤثر بر زمان وقوع تولد اول در ایران ۱۳۷۹-۱۳۷۰"، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۱۴، شماره ۵۵، صص ۹۴-۵۵.
- رازقی نصرآباد، حجه بی‌بی، محمدجلال عباسی شوازی، میمنت حسینی چاوشی (۱۳۹۳). "پدیدارشناسی زمان تولد اولین فرزند در بین زنان در تهران"، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۱۶، شماره ۶۳، صص ۹۵-۵۷.
- رضایی قهرودی، زهرا (۱۳۹۲). "بررسی ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی خانوارهای زن سرپرست"، *دوماهنامه تحلیلی-پژوهشی آمار*، پژوهشکده آمار، جلد ۱، شماره ۴، صص ۱۸-۱۲.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۵). "تحول جمعیت‌شناختی خانوار در ایران"، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال یکم، شماره ۱، صص ۸۰-۶۱.
- سادات بندری، ابوالقاسم (۱۳۷۲). "عوامل مؤثر در تعیین ساختار و ابعاد خانوار در ایران"، سمینار بررسی مسائل جمعیتی ایران، دانشگاه شیراز.

- شاهنوشی، مجتبی (۱۳۷۰). "بررسی عوامل مؤثر بر بُعد خانوار با کاربرد مدل‌های علی نمونه استان اصفهان"، سمینار بررسی مسائل جمعیتی ایران، دانشگاه شیراز.
- صادقی، رسول و محمد شکفته گوهری (۱۳۹۶). مطالعه پیامدهای بیکاری بر تأخیر در ازدواج جوانان در شهر تهران، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره ۸، شماره ۳۰، صص ۱۷۵-۱۴۲.
- عباسی‌شوازی، محمدجلال و سعید خانی (۱۳۹۳). "نامنی اقتصادی و باروری: مطالعه موردی زنان دارای همسر شهرستان سنندج"، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، دوره ۹، شماره ۱۷، صص ۷۶-۳۷.
- عباسی‌شوازی، محمدجلال و سعید خانی (۱۳۹۵). "نامنی اقتصادی و ایده‌آل‌های ازدواج و باروری: مطالعه دو نسل مادران و فرزندان در شهرستان سنندج"، *مطالعات جمعیتی*، دوره ۲، شماره ۲، صص ۹۹-۶۳.
- عباسی‌شوازی، محمدجلال و میلاد بگی (۱۳۹۸). "ترتیب‌های زندگی و شکل‌گیری خانوارهای جدید توسط جوانان در ایران: شواهدی از تأخیر در گذار به زندگی مستقل"، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال ۱۶، شماره ۵۹، صص ۲۷۴-۲۴۳.
- عبداللهی، عادل و محمود قاضی طباطبایی (۱۳۹۶). "آزمون مدل نظری-مفهومی هم‌افزایی عقلانیت اقتصادی و اجتماعی در کنش فرزندآوری پایین"، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، دوره ۱۲، شماره ۲۳، صص ۱۱۷-۸۴.
- عسکری ندوشن، عباس، محمدجلال عباسی‌شوازی و رسول صادقی (۱۳۸۸). مادران، دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد)، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۱۱، شماره ۴۴، صص ۳۶-۷.
- علی اکبری صبا، روشنگر (۱۳۹۵). "ویژگی‌های خانوارهای زن‌سرپرست در گروه‌های مختلف وضع زناشویی سرپرست خانوار"، *دو ماهنامه تحلیلی-پژوهشی آمار*، پژوهشکده آمار، جلد ۴، شماره ۳، صص ۱۵-۹.
- عینی‌زیناب حسن، فریده شمس قهفرخی، علیرضا ساجدی، اردشیر خسروی، علیرضا زاهدیان، زهرا رضائی قهرودی و همکاران (۱۳۹۴). "مدل‌سازی و پیش‌بینی مرگ‌ومیر در ایران ۱۳۷۵-۱۴۲۰". *مجله تحقیقات نظام سلامت حکیم*، دوره ۱۸، شماره ۴، صص ۳۳۶-۳۴۶.

- غلامی، معصومه (۱۳۹۰). "تحلیل روند خانوار تک‌نفره شهر تهران با توجه به ویژگی‌های جمعیتی"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- فتحی، الهام (۱۳۹۳). "تحولات خانوار در ایران"، *دو ماهنامه تحلیلی-پژوهشی آمار*، پژوهشکده آمار، جلد ۲، شماره ۵، ص ۱۵-۱۲.
- فرحزادی، مهدی (۱۳۹۳). "بررسی نوع محل سکونت خانوارهای کشور بر اساس نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰"، *دو ماهنامه تحلیلی-پژوهشی آمار*، پژوهشکده آمار، جلد ۲، شماره ۲، ص ۱۱-۱۳.
- فلاح، محسن، زهره خانی و مریم جوادی (۱۳۹۴). "بررسی وضعیت رفاه خانوارهای دارای سرپرست جوان طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰"، *دو ماهنامه تحلیلی-پژوهشی آمار*، پژوهشکده آمار، جلد ۳، شماره ۳، ص ۱۹-۲۴.
- کریمی موعاری، زهرا، مینو نظیفی نایینی و سحر عباسپور (۱۳۹۲). "عوامل اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان در ایران"، *مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان*، شماره ۳۶، صص ۸۰-۵۳.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۷الف). سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵-۱۳۶۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۷ب). طرح هزینه و درآمد خانوار ۱۳۹۵-۱۳۶۳.
- موسوی، سید صالح اکبر و جعفر حقیقت (۱۳۹۵). "برآورد سری زمانی سرمایه انسانی بر مبنای متوسط سال‌های تحصیل (مطالعه موردی ایران، سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۹۲)"، *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۱۵۰-۱۳۱.
- هزارجریبی، جعفر و پروانه آستین فشان (۱۳۸۸). "بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی مؤثر بر میانگین سن ازدواج زنان در سه دهه گذشته ۸۵-۵۵"، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱-۳۲.
- ویکس، جان (۱۳۹۵). *جمعیت: مقاله‌های بر مفاهیم و موضوعات*، ترجمه الهه میرزایی، تهران: موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- Abbasi-Shavazi, M. J., & McDonald, P. (2008). "Family change in Iran: Religion, revolution, and the state". *International family change: Ideational perspectives*, 177-198.
- Abbasi-Shavazi, M. J., Philip Morgan, S., Hossein-Chavoshi, M., & McDonald, P. (2009). "Family change and continuity in Iran: Birth control use before first pregnancy". *Journal of Marriage and Family*, 71(5), 1309-1324.

- Aghajanian, A., & Thompson, V. (2013b). "Household Size and Structure in Iran: 1976-2006". *Open Family Studies Journal*, 5, 1-9.
- Bagi M., Abbasi-Shavazi M. J. (2021) "Projections of Family Households and Living Arrangements and Applications in Iran", Chapter 35 (translated into Chinese by Man Li, In Yi Zeng et. al (2021). *The Innovative Multistate Methods for Household and Living Arrangement Projections and Applications*, China, Science Press. (Forthcoming).
- Burch, T. K., & Matthews, B. J. (1987). "Household formation in developed societies". *Population and Development Review*, 495-511.
- Cherlin, A. J. (2012). Goode's world revolution and family patterns: A reconsideration at fifty years. *Population and Development Review*, 38(4), 577-607.
- De Valk, H. A. G., & Bordone, V. (2018). "Co-residence of adult children with their parents: differences by migration background explored and explained". *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 1-23. doi:10.1080/1369183x.2018.1485207.
- Goode, W. J. (1963). "Industrialization and family change," in B.F. Hoselitz and W.E. Moore (eds.), *Industrialization and Society*. Mouton: UNESCO, pp. 237-255.
- Höpflinger F (1991). "The future of household and family structures in Europe". In Council of Europe Seminar on present demographic trends and lifestyles in Europe. Council of Europe: Strasbourg.
- Integrated Public Use Microdata Series (IPUMS) (2020). Household classification, Online available at: 2020-09-13 in: [https://international.ipums.org/international-action/variables/HHTYPE#comparability\\_section](https://international.ipums.org/international-action/variables/HHTYPE#comparability_section)
- Jamieson, L., Wasoff, F., & Simpson, R. (2009). "Solo-living, demographic and family change: The need to know more about men". *Sociological Research Online*, 14(2), 1-16.
- Kagitcibasi, C. (1996). *Family and human development across cultures: A view from the other side*. Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
- Kuijsten, A. (1995). "Recent trends in household and family structures in Europe: an overview". *Household demography and household modelling*, 53-84.
- Mayer, B. (2013). "Family change theory: A preliminary evaluation on the basis of recent cross-cultural studies. Intergenerational relations". *European perspectives on family and society*, 167-187.
- McDonald, P. (1994). "Families in developing countries: Idealized morality and theories of family change". *Tradition and change in the Asian family*, 19-28.
- Raymo, J. M. (2015). "Living alone in Japan: Relationships with happiness and health". *Demographic research*, 32, 1267.
- Roussel, L. (1992). "La famille en Europe occidentale: divergences et convergences". *Population (french edition)*, 47(1): 133-152.
- Tang, J., Galbraith, N., & Truong J. (2019). "Living alone in Canada", Minister responsible for Statistics Canada.
- Torabi, F., Abbasi-Shavazi, M.J. & Askari-Nodoushan, A. (2015). "Trends in and patterns of solo living in Iran: an exploratory analysis". *Journal of Population Research* 32, 243-261.

Original Research Article ■

---

## Household Dynamics in Iran: Study of Changes in Family and Household Structure over Four Decades

Milad Bagi<sup>1</sup>, Mohammad Jalal Abbasi-Shavazi<sup>2</sup>

**Abstract** The household structure in contemporary societies is different from decades ago, and in many countries new forms of household have emerged. This study aimed to investigate changes in household structure over the past 35 years (1984-2018) in Iran. For this purpose, Household Income and Expenditure Survey (HIES) data were analyzed. The findings revealed that the percentage of various types of households (i.e one-person, single-parent and married couples without children) have increased. On the other hand, the share of extended and composite households has declined during the time. Although nuclear households have always been the overwhelming majority of households, their number has decreased in the last decade. The main reasons for this pattern are cultural and religious context and the long-term staying of children at parent's home. It can be concluded that although the family and household structure have been relatively stable for decades, the process of change has started. However, instead of moving towards becoming an independence Western family model, it has taken on the characteristics of family model of emotional interdependence.

**Keywords** Household, Family, Household structure, Age-period-cohort, Iran.

---

Received: 2020.03.09

Accepted: 2020.11.11

1 Assistant Professor of Demography, Bu-Ali Sina University (Corresponding Author), m.bagi@basu.ac.ir

2 Professor of Demography, University of Tehran & Honorary Professor, University of Melbourne, Australia, mabbasi@ut.ac.ir

DOI: <https://dx.doi.org/10.22034/jpai.2021.241891>